مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال هفدهم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۴۰۵

مقاله مصاحبه

کتاب «دانشنامهٔ گیاه‌شناسی»: حاصل ۴۵ سال فعالیت علمی در حوزهٔ گیاه‌شناسی

ولی‌الله مظفریان[الف]، محمد صدر[ب]*

[الف]بخش تحقیقات گیاه‌شناسی، مؤسسهٔ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، تهران، ایران

[ب]مؤسسهٔ مطالعات تاریخ پزشکی-طب ایرانی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: مهر ۱۴۰۵

بسم ا... الرحمن الرحیم. به‌مناسبت انتشار کتاب ارزشمند *دانشنامهٔ گیاه‌شناسی: رد پا و یافته‌ها، ۴۵ سال گیاه‌شناسی در ایران*، که حاصل ۴۵ سال تلاش و پژوهش میدانی استاد عالی‌قدر، جناب آقای دکتر مظفریان در مؤسسهٔ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور و هرباریوم ملی ایران است، افتخار گفتگو با ایشان را داریم. این اثر برآمده از سفرها و بررسی‌های میدانی نویسنده در نقاط گوناگون ایران است و ثمرهٔ سال‌ها فعالیت علمی ایشان از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۴۰۲ را در بر می‌گیرد. در این گفتگو، پیرامون ویژگی‌های علمی این کتاب و نکات مهم نگارش آن، پرسش‌هایی را با ایشان مطرح می‌کنیم. (این مصاحبه و طرح پرسش‌ها توسط دکتر محمد صدر انجام شده است).

ـ جناب استاد، لطفاً دربارهٔ آثار و تألیفات پیشین خود در حوزهٔ گیاه‌شناسی و ویژگی‌های این کتاب جدید، توضیحاتی بفرمایید.

بسم ا... الرحمن الرحیم. این کتاب حاصل تجربیات صحرایی من است. من قبلاً کتاب‌های مختلفی را منتشر کردم و دست‌کم ۳۵ جلد کتاب چاپ‌شده دارم که در ارتباط با گیاه‌شناسی (از جمله گیاه‌شناسی صرف و نیز معرفی کاربردهای گیاهان ایران به جامعهٔ نیازمند به آشنایی با گیاهان هستند). من فلور استان یزد، فلور استان خوزستان، فلور ایلام، فلور چهارمحال و بختیاری، فلور استان گیلان، فلور استان تهران یا دماوند را مطالعه و بررسی کرده‌ام؛ کوه دماوند اهمیت خاصی از نظر من به لحاظ شناخت گیاهان داشته و دارد و گیاه‌شناسانی که در گذشتهٔ دور برای جمع‌آوری گیاهان به ایران آمدند، یکی از اهدافشان دسترسی به دماوند بوده است؛ چرا که یک نقطهٔ شاخص است و می‌خواستند گیاهان آنجا را معرفی کنند.

من در قالب طرح‌های جامع کشاورزی مطالعات متعددی انجام داده‌ام و اغلب حوضه‌های آبخیزی که در ایران وجود دارد را مطالعه کرده‌ام. پوشش گیاهی و فهرست نقطه‌به‌نقطهٔ گیاهان آنها در این کتاب آورده شده است. مناطق حفاظت‌شدهٔ محیط‌زیستی که من مطالعه کردم، فهرست گونه‌های گیاهی آنها و گزارش نقطه‌به‌نقطهٔ آنها نیز در این کتاب چاپ شده است؛ برخی از کارهای قبلی من به‌صورت یک گزارش محدود در سازمان حفاظت محیط‌زیست انبار شده و به دست کسی نرسیده است که از آن استفاده کنند. اغلب این تألیفات در تیراژی محدود چاپ شده‌اند و گزارش کلی و عمومی آن کتاب‌ها هم در این کتاب آمده است.

در هر مسافرت، جمع‌آوری و مطالعهٔ گیاهان که در قالب وظایف اداری صورت گرفته در این کتاب نوشته شده و به علاوه من این اطلاعات را دسته‌بندی کرده‌ام؛ برای مثال شما در مورد گیاهان شن‌دوست، گیاهان بیابان‌ها، گیاهان دارویی، گیاهان زینتی

Please cite this article as:
Mozaffarian V, Sadr M. The "Botanical Encyclopedia": The result of 45 years of scientific activity in the field of botany. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2026:17(2);133-138.

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

* فرد مسئول مکاتبات: sadr.m@iums.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]

و ... در ایران می‌توانید اطلاعاتی پیدا کنید و فهرست آن گیاهان را ببینید. در این کتاب نام گیاهان در معرض خطر ایران که آشنایی با آنها اهمیت خاصی دارد، آن هم از دیدگاه فردی که با گیاه آشناست و نام گیاه برایش مفهوم دارد، آمده است. من سعی کردم که براساس تقسیمات جغرافیایی گیاهی ایران (که آن را خودم تجدیدنظر کردم و دیدگاه‌های خودم را برای معرفی تقسیمات جغرافیایی گیاهی ایران اعمال کردم) نقشهٔ پوشش گیاهی ایران را در این کتاب بیاورم و چارت جغرافیایی تهیه‌شده در این اثر آمده است تا بتوان تقسیمات جغرافیایی گیاهی مطابق دانش روز و دستاوردهای علمی من معرفی شوند. به علاوه فهرستی از گیاهان دارویی ایران بر مبنای تقسیمات جغرافیایی معرفی شده است. همچنین در همان تقسیمات جغرافیایی، فهرست درختان و درختچه‌های موجود و درختان و درختچه‌های قابل‌کاشت را هم ارائه داده‌ام؛ زیرا اهمیت فضای سبز در ایران امروز بحث کاملاً گسترده‌ای است. ما حافظ ذخایر ژنتیکی دیگر کشورها شدیم درحالی‌که در ایران منابع گیاهی خیلی غنی‌ای داریم که می‌توانیم روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم و براساس تقسیمات جغرافیایی گیاهی ایران شهرهایمان را مزین به گونه‌های بومی آن منطقه کنیم و چنین اتفاقی نیفتاده است. در این کتاب فهرستی از درختان و درختچه‌های موجود (یعنی بومی ایرانی) و کاشته‌شده در آن تقسیمات معرفی شده‌اند؛ گیاهان دارویی و گیاهان زینتی که به‌خصوص امروز موضوع یک بحث‌وجدل بسیار بزرگی است. ما دانشجویان دانشگاه‌ها را درواقع به جای مطالعات صحرایی و آشنایی با گیاهان قابل‌زینتی‌شدن ایران به‌طرف مطالعهٔ آزمایشگاهی سوق می‌دهیم و یا آنها خود به‌دلیل آسان‌بودن گردآوری مطالب و راحتی کار در آزمایشگاه آن را انتخاب می‌کنند. درحالی‌که ما در ایران بسیاری از گونه‌های گیاهی‌ای داریم که قابلیت زینتی‌شدن را دارند اما ما به جای این‌که کار بکر و اولیه و اساسی را انجام دهیم درواقع به کارهای دست‌دوم می‌پردازیم؛ برای مثال دانشجوی دکتری گل گلایول سفید را می‌خواهد رنگی کند. این اهمیتی ندارد. گل گلایول سفید ارزش خودش را دارد. قرمز ارزش خودش را دارد. قرمز کم‌رنگ ارزش خودش را دارد. دانشجو باید به‌دنبال گیاهان بومی قابل‌زینتی‌شدن ایرانی باشد. گیاهانی که زادگاه آن ایران است در طبیعت وجود دارند. مردم به آنها دسترسی دارند، باید آن را بیاوریم و معرفی کنیم.

بنابراین دانشجوی ایرانی وقتش را باید صرف تولید محتوا کند، اما ما به تولید محتوا نمی‌پردازیم. در این کتاب من سعی کرده‌ام که تولید محتوا کنم. این کتاب یک سطرش کپی نیست، همه اطلاعاتی است که براساس تاریخ و روز نوشته‌ام. شما می‌توانید کتاب را بازکنید و ببینید که در این روز از سال من در کجای ایران بودم و گیاهانش چه هستند. اینها محتویاتی است که در این کتاب وجود دارد.

یکی از این کارهایی که در این کتاب کرده‌ام، گرامی‌داشت یاد همکاران است. ببینید من به‌تنهایی فرد موفقی نبودم. من در کنار دوستان و در کنار کسانی قرار گرفتم که به من کمک کردند تا بتوانم به این اطلاعات دسترسی پیدا کنم. یا برعکس در حد توان توانستم به نام‌گذاری گیاهان مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها بپردازم، بنابراین نام افراد در این یادنامه ذکر شده است. من از استادان دانشگاهی که در آن تحصیل کردم شروع کردم به نوشتن نام‌های آنها؛ از جمله افرادی که با آنها درس خواندم و به محیط کارم آمدم. در محیط کارم با چه کسانی کار کردم. دوستان، اعضای هیئت‌علمی، رانندگانی که با من به طبیعت آمدند و در ورود من به طبیعت کمک کردند تا من بتوانم بروم و این گیاهان را جمع‌آوری و شناسایی کنم و این وقت را در آنجا صرف کنم و باید ارزش فردی که تا پایان انجام مطالعهٔ من در نقطه‌ای از یک دره یا کوهی ایستاده است تا من صبح تا غروب وارد کوهی بشوم و گیاهانش را جمع‌آوری کنم دانسته شود پس من نامشان را آوردم. بنابراین یک یادنامهٔ خیلی خوب در اینجا هست و تاریخ مدون گیاهان دارویی و گیاه‌شناسی در این کتاب آمده است. نام افرادی که سهم بسزایی در گیاه‌شناسی ایران داشتند در این تاریخچه آمده و در این کتاب چاپ شده است. بنابراین مسائل مربوط به گیاه‌شناسی و معرفی آنها به کاربران را از تمام جهات دیده‌ام و به علاوه تیترها و عناوین بخش‌های مختلف این کتاب به زبان انگلیسی هم نوشته شده است که اگر فردی انگلیسی‌زبان بخواهد از این دانشنامه استفاده کند بتواند حداقل مکان‌هایی را که من مطالعه کرده‌ام و مطالبی را که ارائه داده‌ام بخواند و بداند که در این مکان چه گیاهانی وجود دارد. همچنین در فهرست گونهٔ گیاه به نام فارسی برگرفته از کتاب

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]

فرهنگ نام‌های گیاهان ایران (مظفریان) اشاره شده است، به همین دلیل است که این کتاب عنوان دانشنامه پیدا کرد وگرنه اسم اولیه‌اش ردپا و یافته‌های ۴۵ سال گیاه‌شناسی در ایران بود. این کتاب دانشنامه شده است برای این‌که درواقع محتویات باارزشی را ارائه می‌کند که آیندگان می‌توانند آثار دگرگونی‌های محیط‌زیستی اتفاق‌افتاده و نابودی تعدادی از گونه‌ها را با مقایسهٔ مطالب ارائه‌شده دریابند؛ به علاوه این اطلاعات به‌صورت دوزبانه ارائه شده است و تلاش شده تا مطلبی در مورد گیاهان ایران فروگذار نشود.

ـ ترتیب و چیدمان مطالب در این کتاب بر چه اساسی انجام شده است؟ آیا بخش‌ها را بر مبنای تقسیمات جغرافیایی مرتب کرده‌اید یا سیر زمانی و تاریخ اولین مشاهدات میدانی‌تان را مبنا قرار داده‌اید؟

من این کتاب را براساس پیشرفت زمان و افزایش دانش گیاه‌شناسی ارائه کرده‌ام و از ۲۳ دفترچه یادداشت روزانهٔ خودم که اینها را در طبیعت نوشتم، استفاده کردم. مطالب آن دفترچه‌ها بازنویس و تایپ شدند و مطالب یادداشت‌شده در آنها در این کتاب معرفی شده است. من حتی در مقدمهٔ این کتاب نوشته‌ام که با افزایش دانش گیاه‌شناسی من، وقتی به ورق‌های آخر و صفحات آخر کتاب می‌رسید، دانش گسترده‌تر و صحیح‌تری را می‌بینید. یعنی در مسافرت‌های اولیه شاید من نام گونه‌های گیاهی را نمی‌دانستم، بنابراین نام جنس را نوشتم، اما رفته‌رفته تکامل پیدا کرده است. در این گزارش‌ها درواقع نام‌های جنس و گونه نوشته شده، به اضافهٔ این‌که به گونه‌های غالب آن منطقه نیز اشاره شده است. یعنی امروز اگر من رفتم کوه فلان، فرض کنید کوه راسوند در اراک با تاریخ نوشته شده است که در این تاریخ من در کوه بودم. گونه‌های غالب کوه راسوند اینها هستند و گونه‌های همراهشان هم این گیاهان. بنابراین جامعه‌شناسی هم تا حدودی در این کتاب آموزش داده شده و رعایت شده است. گونه‌های همراه نیز در این اثر آمده‌اند و همان‌طور که خدمتتان عرض کردم تاریخ اولویت من بوده است. حتی تصمیم داشتم که فلورهای مناطق مختلف را که کار کردم بر حسب زمان بنویسم. تصور کنید که من فلور استان چهارمحال بختیاری را در پنج سال کار کردم. بنابراین باید بر مبنای تاریخ (که در مقدمه عنوان کردم) مطالب تنظیم می‌شد، اما دیدم که اگر این یادداشت‌ها را به‌صورت پراکنده بیاورم نمی‌تواند بیانگر مقصود من از نظر انتقال اطلاعات باشد. بنابراین این مطالب و یادداشت‌ها را به‌صورت پیوسته آورده‌ام. بنابراین در فلورهای استانی این سبک نظم تاریخی رعایت نشده است. یا اگر یک منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ مثلاً محیط‌زیستی مثل البرز مرکزی را که بسیار گسترده است طی دو سال کار کردم، اینها را کنار همدیگر آورده‌ام، اما براساس تاریخ اشاره شده است که در این تاریخ، اگرچه متعلق به آن سال نیست؛ و به علاوه یک اتفاق دیگری که در این کتاب افتاده است، گزارش عملکردها است. ببینید من یک‌سری وظایف اداری داشتم و یک‌سری وظایف تعریف‌شدهٔ خودم برای خودم. وظایف اداری به من می‌گفت که شما باید این کارها را انجام دهید. بنابراین در اداره من این کارها را انجام دادم، اما ساعت‌های اضافی عمرم را در خانه و یا اداره نشستم و به کار نگارش کتاب‌های خود مشغول بودم و یا به تهیه و نگارش گزارش‌های صحرایی پرداختم، بنابراین گزارش عملکرد سالیانه حاوی اطلاعاتی علاوه بر کارهای موظف اداری است و بیانگر کارهایی است که در شب‌ها و صبح زود و روزهای تعطیل در منزل انجام داده‌ام. این گزارش عملکرد را هم شما حداقل در سی سال در پایان هر سال می‌توانید بخوانید که توضیحات بیشتری را در مورد کار من می‌دهد و به علاوه بیان می‌کند که یک محقق عاشق تا چه حد می‌تواند از زمانش استفاده کند و بهرهٔ بیشتری ببرد و بتواند مطالبش را دسته‌بندی‌شده بنویسد و در اختیار دیگران قرار دهد.

بیان شد که مطالب بسیار گسترده و دامنه‌داری در این کتاب عنوان شده که دادن فهرستی طبق قواعد رایج برای آن امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین مطالب براساس فهرست موضوعی ارائه داده شده و به صفحات آن نیز اشاره شده است. برای نمونه پوشش گیاهی نقاط مختلف کشور ایران در هر یک از استان‌های ۲۹گانه؛ اطلاعات پوشش گیاهی حوضه‌های آبخیز و گاهی آبریز رودخانه‌های بزرگ کشور؛ گونه‌های گیاهی حوضه‌های آبخیز سدهایی که مسائل زیست‌محیطی آن را مطالعه کرده‌ام؛ فهرست فلورستیک استان‌های مختلف علاوه بر آنهایی که فلور آنها را تهیه کرده‌ام؛ فلور ایران، با اشاره به نام‌های تیره‌ها، جنس‌ها و تعداد گونه‌ها و گونه‌های انحصاری آنها به تفکیک؛ مطالعهٔ پوشش گیاهی مناطق حفاظت‌شدهٔ محیط‌زیستی به همراه چک‌لیست گیاهان آنها؛ معرفی پوشش گیاهی چند منطقهٔ صنعتی به‌منظور بررسی مسائل

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]

زیست‌محیطی ایجاد آنها؛ معرفی گیاهان چند نقطهٔ شاخص ایران (فهرست گونه‌های گیاهی کوه‌ها، جزایر و آبشارها) با اشاره به فهرست گیاهان آنها؛ معرفی فهرستی از درختان و درختچه‌های اغلب شهرهای ایران و حتی بخش‌های بزرگ؛ معرفی گونه‌های گیاهی مناطق گردشگری در ایران؛ معرفی فهرستی از گیاهان بومی قابل‌زینتی‌شدن؛ معرفی گیاهان مناسب کاشت و ایجاد باغ‌های گیاه‌شناسی؛ رویکردی نوین به جغرافیای گیاهی ایران با توجه به گونه‌های گیاهی موجود در هر یک از خرداقلیم‌های گیاهی ایران؛ معرفی گیاهان دارویی رایج در طب گیاهی ایران؛ معرفی گونه‌های گیاهی رویشگاه‌های شمال و جنوب و چند استان شاخص؛ معرفی گونه‌های گیاهی بیابان‌های ایران؛ فهرست تیره‌ها، جنس‌ها و گونه‌های دیگر کشورها به‌منظور مقایسه با ایران؛ معرفی گیاهان ایران بر مبنای گروه‌های خاص؛ اشاره به تورهای علمی و جمع‌آوری‌های خاص؛ معرفی گیاهان چند تیرهٔ خاص که ارزش کاربری ویژه‌ای دارند؛ معرفی گونه‌های گیاهی موجود و مناسب کاشت در فضای سبز تعدادی از شهرها؛ تهیهٔ عکس از گیاهان نقاط مختلف ایران؛ انجام مسافرت‌های خاص، نام‌گذاری گیاهان هرباریوم‌های مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها؛ شرکت در همایش‌ها و سمینارهای مختلف؛ گزارش عملکردها؛ تاریخچه‌ای از گیاهان دارویی تا گیاه‌شناسی در ایران؛ یادی از همکاران و دوستان علمی؛ تصاویری از مکان‌های جمع‌آوری و مطالعهٔ صحرایی توسط مظفریان.

ـ آقای دکتر آیا در انجام این بازدیدها و مشاهدات میدانی تنها بودید یا با گروهی از همکاران همراهی می‌شدید؟

یکی دو سه سال اول آغاز به کار گیاه‌شناسی چند تا مسافرت مشترک داشتم با همکارانمان از جمله پروفسور رنه مارک، پروفسور راهنما به‌عنوان سوپروایزر باغ گیاه‌شناسی، که چندین مسافرت با ایشان رفتم. ایشان سوپروایزر بودند و من هم گیاه‌شناس نوپای همراه ایشان، هم به‌عنوان مترجم و هم به‌عنوان بلد در کنار ایشان قرار گرفتم. مسافرت با همراهی ایشان کمک قابل‌توجهی به یادگیری و آشنایی با گیاهان کرد. بعد هم مسافرتی در کنار آقای پروفسور فرای تاگ به منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ توران داشتم که به تجربیات سودمندی دست یافتم. به علاوه یکی‌دو مسافرت با همکاران گیاه‌شناس از جمله آقای دکتر اسدی و دکتر معصومی داشتم، اما بقیهٔ کارها را به‌تنهایی انجام داده‌ام و فقط راننده‌ای در اختیار من بوده است، هم از راننده‌های اداره و هم راننده‌هایی که در اختیار مهندسان مشاور بودند که من برایشان کار کردم که نام همگی آنها در این کتاب محفوظ است.

یادآوری این نکته ضروری است که بخشی از اطلاعات ارائه‌شده در این کتاب حاصل مطالعاتی است که من در قالب وظایف غیراداری و مطالعات برای سازمان‌ها و تشکیلات دولتی و اغلب با استفاده از مرخصی اداری یا در زمان‌های تعطیلات انجام داده‌ام.

ـ نحوهٔ آشنایی و همکاری شما با آقای دکتر قهرمان چگونه بوده است؟

آقای دکتر قهرمان حق بزرگی در تحصیلات من دارد. من مهندسی منابع طبیعی خواندم و وقتی سال ۱۳۶۸ مش وارد دانشگاه تهران و دانشکدهٔ علوم شدم به‌دلیل این‌که سابقهٔ گیاه‌شناسی داشتم، آقای دکتر قهرمان به‌عنوان رئیس گروه زیست‌شناسی برای من کمبود واحد تعریف نکردند؛ چیزی که در گذشته معمولاً اگر می‌خواستید از رشته‌ای به رشتهٔ دیگر بروید وجود داشت و باید کمبود واحد می‌گذراندید و چنین اتفاقی نیفتاد و اتفاق دیگری که برای من افتاد این بود که من در کنار دکتر قهرمان برای تهیهٔ فلور رنگی دکتر قهرمان، درواقع پابه‌پای ایشان وارد طبیعت شدم نه به این مفهوم که ایشان معلم من باشد، به این مفهوم که ما با هم کمک کنیم برای تهیهٔ عکس از یک گونه و معرفی آن گونهٔ گیاهی که قبلاً در مجلدات قبلی چاپ نشده باشد و این خود به احاطهٔ کافی به شناخت گیاهان نیاز داشت. به این مفهوم که من حتی در بسیاری از موارد خودم قبلاً می‌رفتم گیاهان محیط را جمع‌آوری و شناسایی می‌کردم. بعد جلسهٔ بعدی با دکتر قهرمان همان مسیر را می‌رفتیم تا آقای دکتر قهرمان بتوانند از گیاهان شناخته‌شدهٔ جدید عکس بگیرند. ببینید تفاوت کار دکتر قهرمان و کار با دوربین آنالوگ و دوربین دیجیتالی امروز این هست که با دوربین دیجیتالی هر چند تا عکس گرفتید، گرفتید و اگر احیاناً یک عکس تکراری باشد برایتان خیلی گران‌قیمت نیست. درحالی‌که در دوربین‌های آنالوگ آقای دکتر قهرمان حتی یک عکس را هم نمی‌خواست که تکراری باشد. شاید بتوان گفت که من به‌عنوان همکار با دکتر قهرمان بیست سال کارکردیم، اما من و دکتر قهرمان یک عکس مشترک در

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]

طبیعت نداریم؛ زیرا فیلمی را که دکتر قهرمان می‌خواست از آن استفاده کند برای او ارزشمند بود و تلاش داشت با صرفه‌جویی تمام به کار تهیهٔ فلور بپردازد. بنابراین من در کنار دکتر قهرمان و دستیار دکتر قهرمان بودم.

من درواقع برای کمک به تهیهٔ فلور رنگی دکتر قهرمان با ایشان همکاری علمی کردم. به علاوه من در طرح علمی ایشان برای تکمیل هرباریوم دانشگاه تهران به همراه استادانی چون دکتر صادق مبین، دکتر اسفندیار اسفندیاری، دکتر موسی ایرانشهر و دکتر زین‌العابدین ملکی همکار طرح ایشان بودم و حق‌التحقیق دریافت می‌کردم، منتهی در مسافرت‌ها من خدمتتان عرض کردم که من رانندگان زیادی را داشتم که از مهندسان مشاور آمده بودند برای مطالعهٔ طرح‌های جامع کشاورزی، برای طرح‌های مطالعاتی براساس حوضه‌های آبخیز رودخانه‌های کشور، برای مسائل مختلف محیط‌زیستی حتی خطوط انتقال نفت و گاز و حتی راه‌آهن شهری. مطالعهٔ مسائل محیط‌زیستی‌اش به من واگذار شده بود و این مطالعات به درخواست مهندسان مشاور انجام گرفته است. من از مهندسان مشاور راننده در اختیار داشتم که در طول شبانه‌روز در اختیار من بود درحالی‌که رانندهٔ اداری هشت ساعت کار می‌کند؛ بنابراین با ظرفیت اداری نمی‌توانستم این اطلاعات گسترده را در مورد ایران به دست بیاوریم. یادآوری این نکته ضروری است که رفتار مناسب من با رانندگان اداری سبب شده بود آنها نیز با فداکاری تمام به من کمک کنند و ساعت اداری در مسافرت‌های علمی من معنی‌دار نبود؛ اگرچه جزو وظایف ما بود که گیاهان ایران را جمع‌آوری کنیم و من هم این کار را کردم. شصت‌وپنج‌هزار نمونهٔ گیاهی از نقاط مختلف ایران جمع‌آوری کرده‌ام که اینها در مخزن هرباریوم باغ گیاه‌شناسی ملی ایران نگهداری می‌شود و بخشی از این شصت‌وپنج‌هزار نمونه در قالب کارهای غیرموظف اداری انجام گرفته است؛ چون مطالعات طرح جامع و مطالعاتی که توسط مهندسان مشاور انجام دادم بر لزوم شناخت گیاهان تأکید داشت و از من می‌خواست که برای آنها گزارش بنویسم و گزارش بدون محتوا معنی‌دار نبود. بنابراین گیاهانی را که من در طبیعت نمی‌شناختم، جمع‌آوری می‌کردم و پس از آمدن در فضای کار، با دقت هر چه تمام آنها را نام‌گذاری می‌کردم. در تمام طول مدت وظایف اداری، من ساعت‌های اضافی را در مؤسسه بودم. من روزهای تعطیل را در مؤسسه بودم تا بتوانم بخشی از شناخت گیاهان ایران را به‌درستی انجام دهم. یکی از کارهای کاملاً قابل‌توجه که انجام دادم تهیهٔ عکس از گیاهان مناطق مختلف و گونه‌های گیاهی نقاط مختلف ایران بود به‌طوری‌که امروزه قریب به ۲۵۰ حلقه فیلم عکس‌گرفته‌شده با دوربین‌های آنالوگ و قریب به ۷۰هزار قطعه عکس تهیه‌شده با دوربین‌های دیجیتالی دارم که براساس نام علمی تیره، جنس و گونه آرشیو شده‌اند که همگی آنها با هزینهٔ شخصی تهیه شده و در نوشتارها و درس گروهی‌ها و کلاس‌های درسم از آنها به‌صورت پاورپوینت استفاده کرده‌ام.

ـ اگر خواننده‌ای بخواهد گیاهان یافت‌شده در یک استان مشخص (مثلاً کرمان یا یزد) را پیدا کند، چطور می‌تواند به این اطلاعات در کتاب دسترسی یابد؟

به این دلیل که کتاب براساس تاریخ نوشته شده است، بنابراین مطالب آن هم براساس تاریخ تنظیم شده‌اند. شما فکر کنید که می‌خواهید بروید حوزهٔ آب‌بخشا، رودخانه‌ای در استان کرمان، در فهرست عناوین این کتاب چون فهرست صفحه‌ای نیست که به شما بگوید صفحهٔ ۶۵ مثلاً این کلمه را پیدا خواهید کرد، اما در مورد مطالب موجود در کتاب (مثلاً استان کرمان) فهرست موضوعی دادیم؛ موضوع گیاهان دارویی در کرمان، گیاهان زینتی در کرمان، گیاهان کاشته‌شده در شهر کرمان، گیاهان مثلاً حوزهٔ آبخیز آب‌بخشا، در واقع برای همهٔ نقاط شاخص کشور مانند گیاهان کوه هزار، کوه لاله‌زار، در این کتاب عنوان دارید. در این کتاب گیاهان همهٔ استان‌ها و مناطق مختلف ایران، فهرست شده‌اند؛ یعنی نمایه در آخر کتاب دارد. یک نمایه تحت عنوان فهرست موضوعی، نه فهرستی که مثلاً فرض کنید شما بخش اول را در صفحهٔ ۵۲ می‌خوانید یا مثلاً فلان گیاه را در فلان. همچنین در مورد گیاهان زینتی، گیاهان مثلاً فرض کنید گیاهان دارویی که متعلق به تیره‌های مختلف گیاهی، عناوین مسافرت‌های خاص، تورهای مسافرتی، نقاط شاخص و همگی اینها تیتر دارند. شما می‌خواهید ببینید در تیرهٔ لابیاته یا نعناع چه گیاهان دارویی‌ای وجود دارد؟ آن تیتر را پیدا می‌کنید و صفحه‌اش را می‌خوانید. در مقدمه من نوشته‌ام چون در مورد یک استان مطلب انسجام تاریخی دارد، بنابراین اگر یک صفحه‌ای را پیدا کردید و خواندید

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]

به‌دنبال صفحهٔ بعدی آن هم بگردید تا آن را هم بخوانید تا بدانید مثلاً در استان خراسان کوه بینالود چه پوشش گیاهی‌ای دارد زیرا مطالب به صورت پیوسته و از این دره به آن دره، از این روستا به آن روستا نوشته شده است.

ـ مبنای تقسیم‌بندی و بررسی‌های میدانی شما در این کتاب چیست؟ آیا مطالعات خود را بر اساس حوضه‌های آبخیز ایران انجام داده‌اید یا الگوی دیگری را برای تفکیک مناطق به کار گرفته‌اید؟

مطالعات ما براساس خواسته‌های طرح‌های جامع کشاورزی صورت گرفته است. در طرح‌های جامع کشاورزی دیسیپلین‌های مختلفی دیده شده است از جمله دیسیپلین مرتع که می‌خواهد ببیند که برای نمونه در حوضهٔ آبخیز رودخانهٔ کارون چند هکتار مرتع وجود دارد و ظرفیت چرایی این منطقه چقدر است. من در قالب طرح جامع و بر مبنای نقشه‌های جغرافیایی ارتش بخش مرتع آن را کار کردم. بنابراین مرتع حوضهٔ کارون کار شده است. در یک مطالعهٔ دیگر حوضهٔ هریرود کار شده است و در یک مطالعهٔ دیگر مثلاً فرض کنید کرخه کار شده است، یا سدهای مختلفی که ساخته شده است که من مسائل محیط‌زیستی آنها را کار کرده‌ام. شما مثلاً می‌خواهید در مورد سد کارون سه یا پنج مطلب پیدا کنید. من آنجا این را مطالعه کردم و با این عنوان نیز در فهرست موضوعی مطلب وجود دارد. گیاهانش نوشته شده است. بنابراین در طی این چهل‌ودو سال کار موظف اداری و چهل‌وپنج سالی که این کتاب تدوین شده است، بر حسب زمان و بر حسب مطالعات تاریخ دارد که مثلاً در این تاریخ و منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ باهوکلات را کار کردم. در این تاریخ منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ بیستون را کار کرده‌ام. در این تاریخ منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ تنگهٔ صیاد را کار کرده‌ام. بنابراین براساس تاریخ مطلب معین است و آن بحث حوضهٔ آبخیز از این حوضه به آن حوضه به زمان بستگی دارد که من آن را مطالعه کردم.

ـ ممکن است دربارهٔ تعداد حوضه‌های آبخیز ایران و نحوهٔ تقسیم‌بندی آنها و اینکه در این پژوهش چگونه از آنها بهره برده‌اید، توضیح بفرمایید؟

حوضهٔ آبخیز به تعداد رودخانه‌های ایران بستگی دارد. شما زاینده‌رود را دارید، کارون را دارید، دز را دارید یا کرخه را دارید. به شما عرض کنم که رودخانه‌های دیگری مثل کشف رود را دارید، هریرود را دارید، رودخانهٔ شاهرود را دارید، سفیدرود را دارید، قزل‌اوزن را دارید. اینها به فضایی بستگی دارد که آب این رودخانه‌ها از آن فضا می‌آید. مثلاً فرض کنید سفیدرود، آب سفیدرود؛ از میانه می‌آید، از دامنه‌های شرقی و جنوب شرقی سهند می‌آید. آب قزل‌اوزن از ارتفاعات سارال در کردستان می‌آید. بنابراین حوضهٔ آبخیز بستگی دارد که آب این رودخانه از کجاها تأمین می‌شود. وقتی شما کارون را مطالعه می‌کنید می‌بینید که حوزهٔ کارون تمام استان چهارمحال بختیاری و بخشی از استان اصفهان را در بر می‌گیرد که شما سمیرم را درواقع در حوزهٔ آبخیز کارون می‌بینید. بخش غربی سمیرم را که رودخانهٔ آب ونک را می‌سازد آب ونک به کارون می‌ریزد و کارون. نهایتاً حوزهٔ آبخیز محسوب می‌شود.

یا مثلاً اگر دز را بخواهید مطالعه کنید می‌بینید که دز (از چشمهٔ لنگان که در فریدون‌شهر وجود دارد) جزو جغرافیایی فریدون‌شهر است. آب چشمهٔ لنگان به رودخانهٔ آبزالکی می‌ریزد و به دز و نهایتاً می‌شود حوضهٔ آبخیز دز. این حوضه‌ها به فضایی بستگی دارند که آب از آنجا سرچشمه می‌گیرد.

در مورد استان کرمان، حوضهٔ آبریز رودخانهٔ آب‌بخشا را کار کردم که بخشی از هزار، لاله‌زار و جوپار را در بر می‌گیرد. یعنی شیب‌های شمالی کوه‌های هزار و لاله‌زار و جوپار و محیط‌های اطرافش را کار کرده‌ام .. یا در استان کرمان من حوزهٔ آبخیز کویر سیرجان را مطالعه کردم. آب از گردنهٔ بردسیر به حوضهٔ به‌اصطلاح کویر سیرجان می‌ریزد. مثلاً فرض کن از بخش‌هایی از غرب بافت، آب از ارتفاعات غربی بافت می‌آید و به کویر سیرجان می‌ریزد. بنابراین حوضهٔ آبخیز کویر سیرجان یک دامنهٔ کاملاً گسترده‌ای دارد که من کار کردم. یا حوضهٔ آبخیز و آبریز هلیل‌رود در استان کرمان که به گیاهان نقطه‌به‌نقطهٔ آنها اشاره شده است.

تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.22034/jiitm.17.2.133]